

مفهوم‌سازی حکمرانی خوب در آموزش و پرورش عمومی ایران با رویکرد پدیدارشناسی

جعفر نصیر ناتری^۱، علی خلخالی^{۲*}، زهره شکیبایی^۳، جواد سلیمانپور^۴، اسماعیل
کاظم پور^۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۴ صص ۲۰۸-۱۹۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی بسترهای مفهومی تحقق حکمرانی خوب در آموزش و پرورش عمومی ایران بود. این مطالعه به روش کیفی، با رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. در این پژوهش تعداد ۳۰ تن از صاحب‌نظران و خبرگان نظام آموزش عمومی که دارای تالیف‌های معتبر در حوزه حکمرانی خوب بودند، از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی تا مرز اشباع نظری، انتخاب شدند و در معرض مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. همچنین داده‌های حاصل از بازخوانی مصاحبه‌ها، با استفاده از روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل و کدگذاری شدند. همچنین جهت استحکام پایایی تحقیق از قابلیت وابستگی، باور پذیری و تایید پذیری استفاده شد. بر مبنای کدگذاری باز مصاحبه‌ها، در مرحله مقدماتی ۸۷ مولفه بازشناسی شدند. لیکن در نهایت ۳۵ سازه در قالب ۳ تم اصلی (مقدمات و پیدایش ۱۴ مورد، فرایند و اجرا ۱۲ مورد و پیامد و نتیجه ۹ مورد) به عنوان بخشی از ساختارهای مفهومی جهت تحقق حکمرانی خوب در جوامع آموزشی تم یابی شدند. تحلیل‌های ارائه شده در این پژوهش نشان می‌دهد که این مفاهیم استخراجی در شرایط تغییرات گسترده درونی و بیرونی از ظرفیت لازم برای استقرار حاکمیت خوب در آموزش عمومی ایران برخوردارند. همچنین تحقق حکمرانی خوب در نظام آموزش عمومی کشور در قالب سازه‌های شش‌گانه نتیجه‌گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظائف، ارتقای ارزش‌ها، شفاف‌سازی، ظرفیت‌سازی و پاسخگویی قابل مفهوم‌سازی است.

کلید واژه‌ها: حکمرانی خوب، آموزش عمومی، پدیدارشناسی، بسترهای مفهومی.

۱ - دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، گروه مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

۲ - دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

۳ - استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

۴ - استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

۵ - دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

* علی خلخالی: khalkhali_ali@yahoo.com

مقدمه

آموزش و نهادهای آموزشی ابزاری مهم برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشورها هستند و به همان دلیل اولویت اصلی و حساس حکمرانی محسوب می شوند (Soltani Sarvestani, 2018). درعین حال آموزش و پرورش از یک سو باید نقش فعلی خود در پاسخگویی به نیازها و اولویت های دولت و ملت را حفظ کند، و از سوی دیگر باید برای دستیابی به توسعه و تربیت شهروندان آینده و مواجهه با نیازهای نوظهور جهانی در یک فضای گسترده و کمتر مدیریت پذیر با همه سامانه های آموزشی همکاری و رقابت مستمر داشته باشد (Naderi, 2015: 82). به طور معمول فرایند تعلیم و تربیت رسمی تلاش می کند تا تصویر آینده جامعه را در آئینه مدارس امروز منعکس سازد. از این رو سیاست ها و تصمیمات جاری مدارس و موسسات آموزشی در وضعیت فردای جامعه به شدت تأثیرگذار هستند و شاید بتوان میزان فرهیختگی یک جامعه را به ماهیت و کیفیت تصمیمات اتخاذ شده در این زمینه و میزان بلوغ و اعتبار سیاست ها و تدابیر مورد نظر وابسته دانست (Khalid, 2016: 112). بدیهی است که سیاست گذاران آموزشی باید علاوه بر شناخت مناسب، برمسیر تقویت همه جانبه مولفه های کلیدی توسعه نظام آموزشی گام بردارند (Bagheriyan & Fazeli, 2014). همچنین تقاضای فزاینده برای آموزش و ارتقای کیفیت و کارایی آن از یک سو و محدودیت شدید منابع مالی دولتی و سیر نزولی سهم آموزش و پرورش از درآمد ملی از سوی دیگر، منجر به عدم تعادل میان ظرفیت امکاناتی آموزش و پرورش در مقابل انتظارات متعدد و متنوع جامعه شده است. نظریه پردازان اقتصاد آموزش و پرورش برای برون رفت از این وضعیت نامتوازن، انتخاب های متنوعی را پیشنهاد می کنند. طبق نظریه های اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و سرمایه انسانی، ضرورت واگذاری ارائه خدمات در این حوزه به بخش خصوصی اجتناب ناپذیر است (Naderi, 2015) اما از آنجایی که آموزش عمومی سازنده هویت فرهنگی یک جامعه است (Gholipour, 2014) لذا تحقق نظام آموزش عمومی نیازمند نوعی حکمرانی خوب است.

حکمرانی خوب از مفاهیمی است که در فرایند توسعه کشورها به عنوان شاخص اصلی آموزش و پرورش عمومی به حساب می آید (Frey, 2015). در واقع طرفداران این نظریه معتقدند استقرار حکمرانی خوب موجب پیدایش زمینه های چابکی ساختاری دولت، هوشمندی دولت، تعامل دولت با جامعه جهانی و ارتقای تولید ملی و افزایش سرمایه گذاری های داخلی و بین المللی در بخش های مختلف اقتصادی (Aurangzeb & Asif, 2014) و موجب پدیدار شدن آموزش عمومی قوی، توسعه یافته و عادلانه می شود. در متن نظریه حکمرانی خوب، تحقق چارچوبی منطقی برای ارتقای وضعیت آموزش عمومی، لازم

است، در سطح نهادی، جایگاه آموزش عمومی در سیاست‌گذاری و افکار عمومی بیش از آنچه هست مورد توجه قرار گیرد و مسئولیت آحاد شهروندان، بخش دولت، بخش‌های تجاری و سازمان‌های مردم‌نهاد برای کمک به آموزش عمومی تقویت شود (Ka Ho & Xiao, 2016). حکمرانی خوب اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی و اثر بخش با هدف به حداقل رساندن شاخص‌های حکمرانی ضعیف است (Teichler, 2016). حکمرانی خوب به فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات با ترکیب بازیگران رسمی و غیررسمی اشاره دارد و اموری چون مشارکت ذینفعان، تصمیم‌گیری بر اساس اجماع، تکلیف به پاسخگویی، شفافیت، کارایی و اثربخشی، جامعیت و قانون‌مداری را مورد تأکید قرار می‌دهد (Moraru, 2012).

اساساً حکمرانی با دو رویکرد در عرصه آموزش و پرورش ظاهر می‌شود. اولاً رویکرد دولتی شدن یعنی مشکلات و مسائلی چون ناکارآمدی، پرهزینه بودن، فساد مالی، رشوه خواری و عدم شفافیت را به همراه خواهد داشت و دوم این که، رویکرد خصوصی یعنی این که آموزش و پرورش بایستی واگذار شود و در دست غیر دولت (عموماً بخش خصوصی) اداره شود که به نوبه خود موجب نابسامانی و مشکلاتی چون بی‌عدالتی، تبعیض، شکاف اقتصادی و جامعه شدیداً طبقاتی می‌شود (Salarzahi & Pourhabib, 2015).

محققان بانک جهانی (Kaufmann, Kraay and Mastruzzi, 2010) تلاش کرده‌اند تا یافته‌های مؤسسات بین‌المللی برآوردکننده ریسک را در مورد کشورهای مختلف با هم ادغام کرده و شاخص‌های جدیدی در این زمینه معرفی کنند. این محققان، کار خود را با طرح این فرضیه آغاز کرده‌اند که رسوم و نهادهایی که از مجرای آن‌ها حاکمیت در یک کشور اعمال می‌شود، در رشد و توسعه آن کشور مؤثرند این "رسوم و نهادها" را Governance نامیده‌اند و ابعاد مختلف آن را با معرفی شش شاخص مورد بررسی قرار داده‌اند. مواردی مانند حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، و کنترل فساد (Kaufmann, 2013) بخشی از این شاخص‌ها هستند.

حکمرانی خوب در حقیقت الگویی است به منظور دستیابی به توسعه پایدار و با تأکید بر حفظ حقوق فردی و حمایت از فضای خصوصی در مقابل قلمرو عمومی یا سیاسی گسترده که در گذشته وجود داشته است (Fry, 2015). بعضی از پژوهشگران نشان دادند که کیفیت حکمرانی خوب که از طریق میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی محاسبه شده است؛ اثر مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارد. همچنین از بین شش شاخص حکمرانی خوب شاخص‌های ثبات سیاسی، کارایی دولتی، کیفیت قوانین و مقررات و

حاکمیت قانون، اثری مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارند (Sameti et al, 2011).

حکمرانی خوب در مدیریت آموزش عمومی و استفاده از ظرفیت‌های تمرکززدایی اداری و ظرفیت‌های جامعه‌مدنی و بخش خصوصی برای تحول در آموزش عمومی می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات بنیادین آموزش عمومی باشد. استفاده از الگوی حکمرانی خوب در سطح خرد و کلان در آموزش عمومی می‌تواند روحیه امید و نشاط را در مدیران، معلمان، اولیا و دانش‌آموزان، به طور مضاعفی افزایش دهد. به نظر می‌رسد در باز مهندسی آموزش عمومی در ایران نیاز هست از الگوهای مشارکتی و نهادگرایانه استفاده بهتری برد تا آموزش عمومی در فرهنگ عمومی و جامعه نهادینه شود و حساسیت کنشگران مختلف جامعه برای تعالی آموزش عمومی بیشتر شود (Alvani & Sani, 2016).

برای پیاده سازی و اجرایی کردن حکمرانی خوب در آموزش عمومی بایستی عوامل زمینه‌ساز و متغیرهای زمینه‌ای تبیین شوند. بررسی ادبیات پژوهشی موید وجود مدل‌های مختلف حاکمیت، توأم با مولفه‌های متنوعی است، لیکن پژوهشگران به فراخور کار خود آن‌ها را طبقه‌بندی کرده‌اند و این طبقه‌بندی‌ها متفاوت و به صورت پراکنده و غیر منسجم است. به نظر می‌آید انجام این پژوهش منجر به ارائه مدلی جامع درباره حاکمیت خوب آموزشی می‌گردد که متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور باشد. از طرف دیگر، با انجام این پژوهش، اطلاعات آگاهی بخشی در خصوص انواع نظام‌های حاکمیت آموزشی، میزان استقلال اعطایی به مدارس بر اساس سازوکار پاسخگویی، میزان رابطه دولت با مؤسسات آموزش عمومی، سازوکارهای تضمین کیفیت و اعتباربخشی و... در اختیار سیاست‌گذاران، اعضای هیات امنای مدارس، مدیران، و... قرار می‌گیرد. ضرورت بازآفرینی آموزش و پرورش در سطح کلان و باز طراحی ساختار آموزش عمومی که با شبکه‌سازی و توزیع بار مسوولیت آموزش و پرورش در سطح بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای و محلی همراه است، می‌توان زمینه استفاده از همه ظرفیت‌ها را برای حل مشکلات بنیادی آموزش و پرورش کشور فراهم کرد. در عین حال در مقیاس خرد، الگوی حکمرانی خوب در مدیریت مدارس نیز موضوع مهمی است که نیازمند بازاندیشی و توجه ویژه است (Soroush, 2015).

البته شواهد نشان می‌دهند پژوهش‌های مستقیمی در باب حکمرانی خوب و آموزش به صورت صریح و روشن گزارش نشده‌است، اما حول برخی از مولفه‌های حکمرانی خوب پژوهش‌هایی به صورت غیرمستقیم انجام گرفته‌است (Hayden, 2016; Khaled, 2016; Zaman, 2016; Rudra and Sanyal, 2015). همچنین ویژگی‌های ذکر شده برای حاکمیت خوب حکایت از آن دارد که پیاده سازی آن مستلزم طراحی مدل بومی و منطبق بر فرهنگ

کشور است. انجام این پژوهش با برجسته‌سازی سازه حاکمیت خوب آموزشی از حیث نظر و عمل، و نیز آشکارسازی مؤلفه‌های حاکمیت خوب آموزشی برای استقرار و نهادینه کردن این سازه به ویژه در سطح مدیریت مدارس اهمیت و ضرورت دارد. لذا در این مقاله با هدف بازکاوی بسترهای مفهومی حکمرانی خوب در نظام آموزش عمومی کشور پرسش‌های زیر صورت بندی شدند:

بسترهای مفهومی حکمرانی خوب در نظام آموزش عمومی کشور کدام اند؟
الگوی مطلوب حکمرانی خوب در نظام آموزش عمومی کشور دارای چه ترکیبی است؟

روش تحقیق

در این پژوهش به منظور درک بهتر از بسترهای مفهومی حکمرانی خوب در جوامع آموزشی از رویکرد کیفی استفاده شده است. پژوهش کیفی هنگامی توصیه می‌شود که هدف پژوهش بررسی یک پدیده بطور عمیق، جامع و متنوع باشد (Bazargan, 2012). این مطالعه به روش تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسی در قالب تحلیل مضمون انجام شد. (Creswell & Plano Clark, 2011). مشارکت کنندگان این مطالعه از طریق نمونه‌گیری هدفمند با استفاده از روش گلوله برفی تا مرز اشباع نظری، از میان صاحب‌نظران و خبرگان نظام آموزش عمومی همچنین برخی از مدیران، کارشناسان و خبرگان آموزش عمومی انتخاب شدند. البته برای نمونه‌گیری هدفمند چند راهبرد موجود است که هر یک هدف خاصی را دنبال می‌کند. یکی از متداول‌ترین راهبرد ها، نمونه‌گیری تغییرات بیشینه است. در این حالت افرادی انتخاب می‌شوند که در مورد پدیده اصلی دیدگاه‌های متفاوتی دارند (Cersoul, 2009). اطلاعات کلی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در جدول (۱) عرضه شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر

ردیف	مدرک تحصیلی	سابقه تدریس و مدیریت	مسئولیت‌ها
۱	دکترای ادبیات فارسی	۲۵	یکی از مدیران راهبردی وزارت آموزش و پرورش
۲	دکترای آموزش عالی	۲۵	مدرس دانشگاه تهران و مولف کتاب سیاست‌گذاری
۳	استادیار مدیریت دولتی دانشگاه علوم و تحقیقات	۸	مدرس و ارزیاب مدیران
۴	دکترای مدیریت آموزشی	۲۳	یکی از مدیران سازمان سما دانشگاه آزاد
۵	کارشناس ارشد مدیریت	۳۰	معاون آموزشی اداره کل آموزش و پرورش یکی از استان‌ها

ردیف	مدرک تحصیلی	سابقه تدریس و مدیریت	مسئولیت ها
	آموزشی		
۶	دکترای مدیریت آموزشی	۲۵	دانشیار دانشگاه آزاداسلامی
۷	دکترای مدیریت آموزشی	۲۰	یکی از اعضای گروه طرح‌های راهبردی تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش
۸	دکترای مدیریت آموزشی	۲۵	یکی از معاونان وزارت آموزش و پرورش
۹	دکترای مدیریت آموزشی	۲۷	یکی از مدیران کل شورای برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش
۱۰	دکترای علوم تربیتی	۳۰	یکی از مدیران شورای عالی آموزش و پرورش
۱۱	دکترای مدیریت آموزشی	۳۰	معاون پژوهشی یکی از واحدهای دانشگاه آزاداسلامی
۱۲	دکترای مدیریت آموزشی	۱۵	یکی از مدیران کل سازمان سما
۱۳	دکترای مدیریت آموزشی	۲۵	یکی از مدیران کل وزارت آموزش و پرورش
۱۴	دکترای مدیریت دولتی	۳۰	استاد دانشگاه علوم تحقیقات تهران
۱۵	دکترای مدیریت دولتی	۳۰	استاد دانشگاه علوم تحقیقات تهران
۱۶	دکترای مدیریت دولتی	۳۰	استاد دانشگاه و موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وابسته به وزارت نیرو
۱۷	دکترای مدیریت آموزشی	۲۵سال	دانشیار مدیریت و اقتصاد واحد علوم تحقیقات تهران
۱۸	دکترای جامعه‌شناسی	۲۸سال	یکی از اعضا و مسوولان کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی
۱۹	دکترای مدیریت دولتی	۲۰سال	عضو هیات علمی تهران مرکز و مشاور اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۲۰	دکترای مدیریت آموزشی	۲۳سال	استادیار دانشگاه امام خمینی علوم دریایی نوشهر
۲۱	فوق لیسانس مدیریت آموزشی	۲۴سال	مدیر یکی از دبستان‌های استان مازندران
۲۲	دکترای روان‌شناسی	۲۵سال	رییس یکی از پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان
۲۳	ارشد آموزشی و مهندسی مواد	۱۱سال	یکی از مدیران آموزشکده‌های سازمان سما دانشگاه آزاد اسلامی
۲۴	دکترای تخصصی روان‌شناسی	۲۲سال	یکی از اعضا هیات علمی دانشگاه بابلسر
۲۵	دکترای روان‌شناسی	۲۲سال	یکی از اعضا هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد
۲۶	دکترای مدیریت دولتی	۲۱سال	دانشیار دانشگاه آزاداسلامی فیروزکوه
۲۷	دکترای مدیریت آموزشی	۳۱سال	عضو هیات علمی یکی از پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان
۲۸	ارشد مدیریت آموزشی	۳۰سال	مدیر اجرایی و مدرس دانشگاه فرهنگیان

ردیف	مدرک تحصیلی	سابقه تدریس و مدیریت	مسئولیت‌ها
۲۹	دکترای مدیریت آموزشی	۲۲ سال	مدرس دانشگاه پیام نور و آزاداسلامی قم و دبیر دبیرستان‌های شهرقم
۳۰	دکترای مردم‌شناسی	۲۵ سال	عضو هیات علمی دانشگاه تهران مرکز و یکی از مشاورین وزارت نفت و مرکز پژوهش‌های صداوسیما تهران

البته جهت حفظ اخلاق پژوهش، از درج نام افراد خودداری شد. ضمناً مصاحبه‌هایی مورد استناد قرار گرفت که اولاً بطور مستقیم و یا تلویحی حول پرسش‌های اصلی پژوهش متمرکز شده باشند، ثانیاً از لحاظ مصاحبه‌کننده و مرجع انتشار از اعتبار کافی برخوردار باشند. مصاحبه‌های انتخابی توسط صاحب‌نظران، اصالت و اعتبارسنجی شدند. داده‌های حاصل از بازخوانی مصاحبه‌ها در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در مرحله اول، متن هر مصاحبه جهت درک تجارب شرکت‌کنندگان چند بار مطالعه شد تا پس از دریافت و ثبت همه توصیف‌های مصاحبه‌شوندگان، اطلاعات با معنی و بیانات مرتبط با پدیده مورد بحث متمایز شوند و به این طریق جملات مهم مشخص شدند. برای این منظور بعد از مصاحبه نیمه ساختار یافته از هر یک از خبرگان اطلاعات مصاحبه جمع‌آوری و کدگذاری شده و تحلیل همزمان روی آن‌ها صورت پذیرفته و سپس از طریق مقایسه مداوم با مصاحبه‌های قبل خود مورد سنجش قرار گرفته تا این که به حد اشباع برسند (بیانیه جدیدی در مصاحبه وجود نداشته باشد). مرحله دوم شامل استخراج مفاهیم اصلی بود و دسته‌بندی موضوعی مبتنی بر شباهت‌های مفهومی و معنایی بود. در مرحله سوم نتایج برای توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه به هم می‌پیوندند و دسته‌های کلی‌تری را به وجود می‌آورند. همچنین در این مرحله با ارجاع به هر نمونه و بازخوانی تجربه آن‌ها درباره یافته‌ها، نتایج حاصله اعتباریابی شدند. ملاحظات اخلاقی مانند رعایت امانت در بازخوانی مصاحبه‌ها و حفظ حقوق مصاحبه‌کنندگان از طریق استناد صریح نیز در این پژوهش رعایت گردید. همچنین در این پژوهش جهت استحکام پایایی تحقیق از قابلیت وابستگی، باور پذیری و تایید پذیری استفاده شد. مطابق این مدل، جهت سنجش باورپذیری یافته‌ها، مفاهیم استخراج شده به حداقل دو صاحب‌نظر ارجاع داده شد تا مبتنی بر تایید آنان، اعتبار یافته‌ها (توافق درون موضوعی) افزایش یابد. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل مضمون و کدگذاری استفاده شد. منظور از کدگذاری اختصاص نزدیک‌ترین مفهوم به

هریک از کوچک‌ترین مولفه‌های با معنی داده‌های گردآوری شده است. واحد تحلیل در این مطالعه جملات، عبارات و یا واژه‌هایی می‌باشند که اشاره به بسترهای مفهومی تحقق حکمرانی خوب در جوامع آموزشی داشته است.

یافته‌ها

تحلیل پرسش یکم پژوهش: بسترهای مفهومی حکمرانی خوب در نظام آموزش عمومی کشور کدام‌اند؟

برای تحلیل این پرسش، محتوای مصاحبه به داده‌های متنی تبدیل و پس از آن، به منظور بررسی نظام‌مند توده بزرگی از داده‌ها به واحدسازی و مقوله‌بندی آن‌ها پرداخته شد. در ابتدا، با دقت کامل کدگذاری باز انجام شد. در مرحله اولیه، هر مفهوم استخراج شده در یک مقوله قرار گرفت. در انتخاب مقوله‌ها، مواردی مدنظر بود که تا جای ممکن فضای مفهومی مورد نظر را پرکنند؛ به همین منظور، مقوله‌هایی گزینش شدند که با مفاهیم منطبق بوده و در ضمن فضای مفهومی بیشتری را اشباع می‌کرد. با بررسی داده‌ها در مرحله اول کدگذاری باز، ۸۷ مفهوم به دست آمد. بعد از انجام عملیات مرحله اولیه کدگذاری باز، در مرحله دوم، مفاهیم و مقوله‌های مشابه و مشترک از طریق تحلیل مقایسه‌ای ثابت داده‌ها در یکدیگر ادغام شد. بدین ترتیب، با تکیه بر معنادارترین و فراوان‌ترین مفاهیم و مقوله‌های اولیه غربال‌کردن و کاهش میزان زیادی از داده‌ها انجام شد. در این مرحله ضمن مراجعه به مفاهیم و مقوله‌های مشابه و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، درصد شناسایی مفاهیم و مقوله‌های مداخله‌گر برآمده و با تعیین و مرتب‌کردن آن‌ها مفاهیم و مقوله‌های مشترک در قالب یک مفهوم و مقوله واحد قرار گرفت. بر این اساس، انبوه داده‌ها به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های کلی کاهش یافت. داده‌های این مرحله در قالب ۳۵ مقوله عمده طبقه‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری محوری در جهت تعیین الگوهای موجود در داده‌ها، بار دیگر تحلیل مقایسه ثابت داده‌ها انجام شد. بدین صورت که داده‌های کدگذاری شده را با یکدیگر مقایسه کرده و در قالب مقوله‌هایی، که با هم تناسب دارند، سازماندهی شد. به همین منظور، مقولات عمده تا جایی مورد مقایسه قرار گرفت که اطمینان حاصل شد، هر طبقه از مقولات از یکدیگر مجزا هستند. سپس، رابطه مقولات را بررسی کرده و بر اساس ماهیت آن‌ها، در زیر عنوان مقوله هسته‌ای قرار گرفتند. به دیگر سخن مقوله‌های عمده حول یک محور، با داخل شدن در ۳۵ مقوله هسته‌ای، یک بافت محکم از روابط را تشکیل دادند. در مرحله آخر یعنی کدگذاری انتخابی، ارائه یک الگوی تلفیقی، همگرا و برخوردار از سطح انتزاعی بالا مد نظر بود. به همین منظور، مقوله‌های هسته‌ای به سطح انتزاعی بالاتر ارتقا داده شدند. به دیگر

سخن، با توجه به این که ۳۵ مقوله مزبور با یکدیگر شباهت‌های مفهومی و معنایی دارند، لازم است آن‌ها را در قالب چند مقوله کلی‌تر، تحلیلی‌تر و با قدرت انتزاعی‌تر بازسازی کرد. تنها با انجام این کار است که مقدمات طراحی یک مدل حکمرانی خوب در نظام آموزش عمومی کشور فراهم می‌شود. در جدول (۲) بسترهای مفهومی تحقق حکمرانی خوب در نظام آموزش عمومی کشور بر اساس مقوله‌های عمده و مقوله‌های هسته‌ای نمایش داده شده است.

جدول ۲- مقوله‌های به دست‌آمده از کدگذاری گزاره‌های مستخرج از مصاحبه‌ها

مقوله‌های استنباطی	کدهای مفهومی
تعهد به توسعه مشارکت مدنی	تلاش جهت شکل‌گیری وفاق عمومی در سطوح مدرسه‌ای، منطقه‌ای و ملی، سوق دادن اجماع محوری به سمت حرکت جمعی و مشارکت مدنی در نظام آموزش و پرورش، جهت‌گیری‌های مشترک ارزشی معطوف به نظام آموزشی و توسعه هم‌افزایی و تلاش همه ذی‌نفعان جهت اجماع وسیع حول منافع کل جامعه
تعهد به شفاف‌سازی	ارتقای و ایجاد شفافیت و شفاف‌سازی در همه سطوح، قراردادن اطلاعات جامع و صحیح از عملکرد دولت و سازمان‌ها در بین مردم و ذی‌نفعان، قراردادن اطلاعات به شکل ساده و قابل فهم در اختیار تمامی عوامل و مجریان و ذینفعان آموزشی
توسعه مشارکت‌پذیری	مشارکت شهروندان به منظور شناسایی نیازهای محلی به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسطه، طراحی، تدوین و اجرای فعالیت‌های مدارس با مشارکت اولیاء، تصمیم‌گیری همه‌جانبه و مشارکت همه ذی‌نفعان آموزشی، نیاز مدارس و مراکز آموزشی به مشارکت آگاهانه و سازمان‌یافته
تعهد به اثر بخشی و کارآیی مستمر	ایجاد بهره‌وری و اثربخشی مضاعف در سازمان‌های آموزشی، تلاش برای برنامه‌ریزی علمی و واقع‌گرایانه در مدارس و مؤسسات آموزشی
توسعه خودتنظیمی فردی و سازمانی	استقلال سازمانی جهت اخذ تصمیمات مستقل و متمرکز، توجه خودگردانی سازمانی و استقلال سازمان‌های آموزشی
توسعه و تعهد به قانون‌مداری	وجود سیستم‌های قضایی برای رسیدگی به کاستی‌ها و شکایت‌ها، الزام و ضرورت حاکمیت قانون در سیستم آموزش عمومی، ضرورت چارچوب‌های قانونی عادلانه و اجرا شدن آن‌ها به صورت بی‌طرفانه،
تعهد به کنترل فراگیر و مستمر فساد	مبارزه با فساد، ارتباط مستقیم میان فساد و حکمرانی‌بد در سیستم‌های آموزشی.
تعهد به بسط عدالت فراگیر	تلاش‌ها جهت کاهش فقر و بی‌عدالتی اجتماعی و نابرابری‌های آموزشی

مقوله های استنباطی	کدهای مفهومی
توسعه حس رضایت‌مندی	رضایت‌یاددهنده و یادگیرنده در سیستم‌های آموزشی، جلب رضایت دانش‌آموزان، اولیاء و معلمان، ارتقاء سطح رضایت تمام ذی‌نفعان مدارس و مؤسسات آموزشی
توسعه امکانات رفاهی معیشتی	برخورداري از سطح رفاهی مناسب در سیستم آموزش و پرورش، ایجاد معاونت‌های رفاهی معیشتی در وزارتخانه برای پیگیری جدی مسائل رفاهی و معیشتی
تعهد به کاهش تمرکز	حرکت از تمرکزگرایی به تمرکز زدایی در نظام آموزش و پرورش،
توسعه مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی	ایجاد روحیه پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در همه سطوح آموزشی، تلاش برای پاسخگو بار آوردن آموزش عمومی کشور، تقبل مسئولیت جدید
توسعه انصاف و عدل	برقراری مساوات و عدالت آموزشی در سیستم‌های آموزشی، ایجاد فرصت مناسب و برابر آموزشی برای اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد
توسعه خود رهبری	توسعه خود کنترلی و خود رهبری، توجه به نقش رهبری و هدایت‌پذیری در زمان به کارگیری افراد در مجموعه‌های آموزشی و مدارس
توانمندسازی مستمر نیروی انسانی	توانمندسازی مستمر نیروی انسانی خصوصاً در مدارس، اصلاح روبه انتخاب و چینش نیروی انسانی کارآمد و صلاحیت دار در تمامی سطوح نظام آموزشی،
تعهد به کیفیت بخشی	بهبود کیفیت مدارس در همه سطوح نظام آموزشی، و ارتباط نزدیک با دانش‌آموزان و محیط آموزشی مبتنی بر برنامه تعالی مدیریت
تعهد به اخلاق مداری	نقش ویژه اخلاق مداری نیروهای آموزش و پرورش، توجه به بُعد وفادارانه نسبت به مصوبات، رعایت اخلاق حرفه‌ای و تکریم همه ذی‌نفع‌های سیستم آموزشی
توسعه انگیزش همگانی	توسعه ابزارهای انگیزشی در برابر ابزار بازدارنده جهت ترغیب و تشویق همه ذینفع‌های سیستم آموزشی
توسعه مهارت پروری	بهبودسازی مهارت‌های تمامی افراد مرتبط با سیستم آموزش و پرورش، وجه به قوه تفکر و استدلال طلبی و توانمندی همه جانبه دانش‌آموزان در مدارس
بسط سواد اطلاعاتی	ایجاد بستر لازم در بالا بردن سطح آگاهی کارکنان از قوانین، برخورداري از سواد و اطلاعات
تعهد به استفاده از تجارب (دانش تراکمی)	استفاده از تجربیات ارزشمند بازنشستگان فرهیخته، ثبت تجارب موفق معلمان
بسط انعطاف‌پذیری	تلاش جهت تعاملات اساسی و بیشتر بین سیاست‌گذاران آموزشی و مردم و تعامل و انعطاف بین مدیران آموزشی و مسوولان و مجریان آموزشی است
تعهد به اعتمادسازی	برقراری اعتماد و اطمینان از سوی دولت به بخش خصوصی وجود انگیزه لازم جهت برقراری تعهد سازمانی
توسعه جو سازنده وضوح نقش، اختیار و مسئولیت‌ها	ایجاد جو و فضای مثبت سازمانی در پیشبرد اهداف مدارس و نظام آموزشی عمل نمودن بر اساس شرح وظایف و مسوولیت‌های محول شده و انتظارات
بسط پویایی سیاسی	تعامل عوامل متعدد سیاسی در سطح کلان (حاکمیت و دولت‌ها) و در سطح

مقوله های استنباطی	کدهای مفهومی
	خرد (مدرسه) در تدوین و اجرای سیاست گذاری آموزشی
تعهد به بهیپویی مستمر	دگردیسی و بازیابی آموزش و آموختن مجدد دانش آموزان در مدارس و سیستم های آموزشی
توسعه حرفه ای گرایی	پرداختن به صلاحیت های حرفه ای معلمان
ظرفیت‌سازی مستمر	ظرفیت سازی و بالا بردن آستانه صبر و تحمل مجریان آموزشی از مباحث اساسی آموزش و پرورش فعلی است
تعهد به نقد پذیری	وجود نقد سازنده و نقد پذیر بودن مجریان و دست اندرکاران آموزشی
توسعه حس رقابت پذیری	توجه به موضوع رقابت پذیری سالم در بین دانش آموزان در نظام آموزش عمومی کشور
توسعه هماهنگی و انسجام شبکه ای	ایجاد هماهنگی همسو گرایی تمامی ابعاد مدیریت در سیستم های آموزش و پرورش
تعهد به پیش مستمر فراگیر	پایش و ارزیابی نظام و برنامه های آموزشی در مدارس جهت بهینه سازی منابع مختلف خصوصاً توسعه منابع انسانی
تعهد به بسط نشاط اجتماعی	شور و نشاط زندگی در مدارس توسط دانش آموزان در کلاس و مدرسه
تعهد به تکریم انسانیت	انس و آلت دانش آموزان با مدارس و عوامل اجرایی

(منبع: یافته های پژوهش حاضر)

تحلیل پرسش دوم پژوهش: الگوی مطلوب حکمرانی خوب در نظام آموزش

عمومی کشور دارای چه ترکیبی است؟

این پرسش دارای ماهیتی نظریه پردازانه است، لذا با نزدیک شدن به رویکرد نظریه پردازی زمینه‌ای، مقوله‌های استخراجی در یک ساختار سه‌بخشی علی، زمینه‌ای و پیامد ترکیب‌بندی شدند. مبتنی بر این ترکیب، طبقات و مقوله‌های مربوطه، در یک مدل مطلوب از حکمرانی خوب در سیستم های آموزشی تصویرسازی شدند.



شکل ۱- مدل مفهومی حاکمیت خوب در سیستم آموزشی (منبع: یافته های پژوهش حاضر)

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش اگر چه از مؤلفه‌های شناخته شده حاکمیت خوب استفاده شد، لیکن خروجی پژوهش متناسب با شرایط داخلی و بومی کشور است. همچنین اگرچه قلمرو این پژوهش محدود بود، لیکن با توجه به نظام کاملاً متمرکز آموزش عمومی در کشور، پیامدهای این پژوهش تا حدی می‌تواند در خصوص سند چشم‌انداز و بخشی از نقشه جامع علمی کشور مفید واقع شود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند مفاهیم حکمرانی خوب در نظام آموزش عمومی کشور در قالب سازه های شش گانه نتیجه‌گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظائف، ارتقای ارزش‌ها، شفاف‌سازی، ظرفیت‌سازی و پاسخگویی کاربست دارند. این یافته ها با پژوهش‌های (Hayden, 2016; Khaled Zaman, 2016; Rudra and Sanyal, 2015) همخوانی دارد. مطابق این پژوهش‌ها تاکید شده‌است با توجه به اینکه آموزش و پرورش بزرگ‌ترین سازمان عمومی کشور است، اداره مطلوب آن مستلزم بازنگری در ساختار بنیادین آن است و می‌طلبد به سوی سازوکارهای تمرکززدایی اداری حرکت کرد. در چارچوب نظریه حکمرانی خوب، بنابر اصول مصرح در قانون اساسی، از جمله اصل سی‌ام دولت موظف است امکانات

آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم کند و مقدمات تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. تاکید قانون اساسی بر آموزش و پرورش رایگان موضوع مهمی است و تجاری‌سازی در حوزه آموزش و پرورش و کاهش سهم تعداد مدارس دولتی و افزایش موسسات غیردولتی زنگ خطری است که آموزش و پرورش را تهدید می‌کند و ممکن است رسالت و آرمان بزرگ آموزش و پرورش را تحت الشعاع قرار دهد.

منطبق با بعضی از گزارش‌های پژوهشی، مولفه‌های حکمرانی خوب در ایران در وضعیت مناسبی قرار ندارند (Razmi et al, 2015). در ادبیات حکمرانی خوب، دقیقا تجاری‌سازی حوزه سلامت و حوزه آموزش و پرورش مورد انتقاد قرار گرفته است که با معیارهای ارزشی و اخلاقی و روح عدالت اجتماعی در تضاد بوده و ممکن است باعث محرومیت اقشار کم درآمد از این امکانات شود؛ اما با وجود این در ادبیات حکمرانی مشارکتی در آموزش و پرورش می‌توان با افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح جامعه، سازمان‌های تجاری، زمینه‌های بیشتری برای مشارکت کارخانجات، سازمان‌ها و شرکت در تاسیس مدارس وابسته و کمک مادی و معنوی به آموزش و پرورش فراهم کرد.

بخشی از یافته‌های پژوهش حاضر موید آن است که حکمرانی مشارکتی در مدیریت آموزش و پرورش و استفاده از ظرفیت‌های تمرکززدایی اداری و ظرفیت‌های جامعه‌مدنی برای تحول در آموزش و پرورش می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات بنیادین آموزش و پرورش باشد. هرچند سهم نهادهای مدنی در کشورمان، به نسبت سهم بخش دولتی متعادل نیست، اما می‌توان از ظرفیت‌های موجود برای پشتیبانی آموزش و پرورش استفاده بهینه‌تری داشت و حساسیت جامعه و اقشار تأثیرگذار را نسبت به تعالی آموزش و پرورش بیش از گذشته ارتقا داد. به نظر می‌رسد در باز مهندسی آموزش و پرورش در ایران نیاز است از الگوهای مشارکتی و نهادگرایانه استفاده بهتری برد تا آموزش و پرورش در فرهنگ عمومی جامعه نهادینه شود و حساسیت کنشگران مختلف جامعه برای تعالی آموزش و پرورش بیشتر شود. از آنجاکه هریک از سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند. حکمرانی خوب به ویژه در ارتباط با ضرورت توسعه پایدار همچون پل ارتباطی سازنده میان این حوزه‌ها را فراهم می‌کند. حکمرانی خوب به رابطه تعاملی میان سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی می‌اندیشد و سازوکارهای استفاده حداکثری از توان بالفعل و بالقوه این سه بخش را پیشنهاد می‌کند (Sharifzadeh & Gholipour, 2013).

از دیدگاه بعضی محققین حکمرانی خوب به رابطه تعاملی میان بخش دولتی و جامعه مدنی می‌اندیشد و سازوکارهای استفاده حداکثری از توان بالفعل و بالقوه این بخش‌ها را پیشنهاد

می‌کنند. حکمرانی خوب رویکردی است که در نتیجه ناکامی سیاست‌های دولت رفاه و اقتصاد لیبرالی، شکل گرفت و نظریه‌ای است که در آن بر ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تاکید می‌شود. درعین حال برای تضمین توسعه انسانی پایدار باید برای رفتن به سوی این آرمان با هدف تحقق آن تلاش کرد. بسیاری از صاحب نظران معتقدند که حکمرانی تجویزی نیست. با این حال برخی اشکال حکمرانی بدون شک بهتر از سایر اشکال است و در مورد عوامل و عناصر تشکیل دهنده حکمرانی خوب اختلاف نظر زیادی وجود ندارد. با این حال استفاده عملی از ویژگی‌های حکمرانی خوب اختلاف نظرهایی را به وجود می‌آورد و تاکید بیش از حد بر یک ویژگی ممکن است منجر به بروز نتایج ناخواسته شود (Hayden, 2016). مثلاً مشارکت عمومی اصلی جذاب است اما افراط در آن منجر به خط مشی‌گذاری گروهی و اتخاذ تصمیمات توسط افرادی می‌شود که از دانش کمی برخوردار بوده و التزام به پاسخگویی ندارند. همچنین وجود رسانه‌های مستقل و مهارنشده ممکن است توجیه ناپذیر جلوه کند. پژوهش (Teichler, 2011) نشان داد که مولفه نتیجه‌گرایی بیشترین تأثیر را در سازمان‌های غیردولتی، و هم چنین مولفه پاسخگویی کمترین تأثیر را روی سازمان‌های غیردولتی دارد که با نتایج تحقیق حاضر همسو است.

میزان تاکید بر ابعاد مختلف حکمرانی سالم در شرایط مختلف نیز متفاوت است زیرا جوامع برای پیامدها و نتایج مختلف ارزش‌های متفاوتی قایلند در مقابل برخی فرهنگ‌ها برای حقوق افراد اهمیت زیادی قایلند و برخی دیگر بر تعهدات گروهی تاکید می‌ورزند. برخی جوامع هدف اول خود را رشد اقتصادی می‌دانند و برخی دیگر برای تنوع و غنای فرهنگی ارزش قایلند. تعیین عوامل تشکیل‌دهنده حکمرانی خوب منجر به بحث و چالش‌های بین هنجارهای فرهنگی و ارزشی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی دلخواه می‌شود این نیز خود منجر به بروز سوالاتی چون نقش دولت نحوه ارتباط دولت‌ها با شهروندان روابط بین شاخه‌های قانون‌گذار اجرایی و قضایی دولت و نقش بخش‌های مختلف می‌شود. یکی دیگر از سوالات مرتبط با مفهوم حکمرانی خوب این است که چه موقع رویکردهای مختلف نسبت به حکمرانی با مراحل مختلف توسعه سازگاری و تناسب دارند. آنچه که تحت برخی از شرایط تاریخی دلخواه بنظر می‌رسد ممکن است تحت شرایطی دیگر مطلوب نباشد. در واقع مدل حاکمیت خوب آموزشی همانند یک هماهنگ کننده عمل می‌کند که بین ارزش‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک توازن ایجاد می‌کند. از طرف دیگر مدل حاکمیت خوب آموزشی راه را برای مدیریت هموار می‌کند.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیرامون مولفه‌های حاکمیت خوب آموزشی و ارائه مدل برای حاکمیت خوب در آموزش و پرورش و اهمیت موضوع حاکمیت و سیاست‌گذاری در نظام

آموزش و پرورش که تأثیر بسزایی بر روی عملکرد مدارس و موسسات آموزش عمومی خواهد گذاشت و با توجه به قلمرو حاکمیت که در ۳ حوزه سازمانی ملی و بین‌المللی است همچنین توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاران نظام آموزش و پرورش سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران آموزش و پرورش و روسا و مدیران واحدهای آموزش و پرورش ایران به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

مطابق الگوی حاکمیت خوب معرفی شده در این مقاله، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری به گونه‌ای باشد که دولت حداقل مداخله در اداره موسسات آموزشی داشته‌باشد و بیشتر به هدایت از طرق قانون‌گذاری و نظارت‌های جدی بپردازد. در سیاست‌گذاری‌ها تعامل بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی مدنظر قرار بگیرد. دموکراسی و مشارکت ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری‌ها جوهره کار سیاست‌گذاران قرار گیرد. بین سهم ذی‌نفعان درونی و بیرونی در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اداره سیستم‌های آموزشی یک توازن منطقی ایجاد شود. در جهت خودگردانی و اعطای استقلال بیشتر به مدارس و موسسات آموزشی اقدام شود. سیاست‌گذاری‌ها از سوی هیات امنای مدارس و موسسات آموزشی بر اساس مولفه‌های حاکمیت خوب انجام گیرد. سهم ذینفعان درونی و بیرونی موسسات آموزشی در هیات امنای آموزش و پرورش، به خصوص در هیات امنای استانی لحاظ گردد. از مداخلات بیش از حد در امور اداره واحدهای آموزشی خودداری شود و در عوض نظارت‌ها و پاسخگویی بالا از واحدها مطالبه شود. در جهت خودگردانی واحدهای آموزش و پرورش از طریق تفویض اختیاراتی که در اختیار ستاد مرکزی آموزش و پرورش هست به واحدها اقدام شود. در جهت مأموریت‌گرا کردن مدارس و موسسات آموزشی براساس ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای اقدام شود. برنامه‌هایی جهت توانمندسازی مدارس و گروه‌های آموزشی طراحی و اجرا شود. در جهت ارتقای آزادی علمی به عنوان سنت دیرینه آموزش و پرورش اقدام جدی به عمل آید.

ذی‌نفعان درونی مدارس اعم از کارکنان، معلمان، مربیان و دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها و اداره مدارس، دعوت به مشارکت شوند. از طریق ارائه گزارش‌های دوره‌ای برای ذی‌نفعان شفاف‌سازی صورت گیرد. حق انتخاب دانش‌آموزان و معلمان در جهت تقویت رقابت‌جویی گسترش یابد. ظرفیت و حدّ مسوولیت‌پذیری و پاسخگویی مدیران بخش‌های مختلف ارتقا یابد. از مشارکت دانش‌آموزان به عنوان ذینفعان اصلی مدارس و آموزش و پرورش در اداره مدارس بهره‌برداری شود. برای حوزه‌های مختلف آموزش و پرورش شاخص‌های عملکردی تعریف شود و ارزیابی مدیران حوزه‌ها براساس دستیابی به اهداف انجام پذیرد. عملکرد بخش‌های مختلف آموزش و پرورش به صورت دوره‌های شش‌ یا یک‌ساله بررسی و در جلسات از بخش‌های موفق به صورت گروهی قدردانی و تشکر شود. در جهت خدمات روان و

آسان از طریق حذف فرایندهای بی مورد اقدام شود. در تخصیص بودجه مدارس و موسسات آموزش عمومی براساس عملکرد حوزه های آموزشی اقدام شود. در نهایت توصیه می شود بر اساس داده های حاصل از تحقیق مولفه های پیدایش و فرایند اجرایی و پیامدها، بر اساس دلالت های موجود هر یک در حکمرانی نظام آموزش عمومی به کار گرفته شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Alvani, S. M. AlizadehSani, M. (2016). Analysis of Good Governance in Iran, Management Studies and Improvement of Change, Article 14, Number 53, Page 1-24. [In Persian/]
- Aurangzeb, K. Asif, Kh. (2014). Good Governance in Universities, And Prospects of Employment for the Students: Evidence from Pakistan, Universal Journal of Management and Social Sciences. Vol. 2, No.11, P. 203 to 229
- Bagherian, F. Fazeli, E. (2014). Higher education in developing countries: fear and hope (World Bank report), Tehran: Shahid Beheshti University Press and Publishing Center. [In Persian/]
- Bazargan, A. (2012). Qualitative and mixed research methods. Common Approaches to Behavioral Sciences. Tehran: Meet. [In Persian/]
- Cresoll, JW. (2009). Research project: qualitative, quantitative and hybrid approaches Translation by Ali Reza Kayamanesh and Maryam Danaei Tous (2012). Tehran: University of Allameh Tabataba'i Branch.
- Creswell JW, Plano Clark VL. (2011). Designing and conducting mixed methods research 2ndedition ed. Thousand Oaks, CA: Sage 2011.
- Frey, S. (2015). "Leadership, governance, and organization in higher education: select books for administrators", Reference Reviews, Vol. 29 Iss 7 pp. 2 - 6
- Gholipur, R. (2014). Analysis and feasibility of a good governance model in Iran with an emphasis on the role of the state ", Management Knowledge, 67, p. 85-111. [In Persian/]
- Hayden, M. (2016). Overview: Governance in Higher Education – Concepta and Issues. Higher Education Research and Development, vol. 26, no. 1, pp 10-11
- Ka Ho, Mok. Xiao, Han. (2016). "The rise of transnational higher education and changing educational governance in China", International Journal of Comparative Education and Development, Vol. 18 Iss 1 pp. 19 - 39
- Kaufmann D., Kraay, A. and Mastruzzi M. (2010); "The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues", Available at: www.govindicators.org.
- Kaufmann, D. (2013). "Rhhlinking oo vrr nanee Empr r ession Challenge.
- Khalid Z. (2016). Quality guidelines for good governance in higher education across the globe. Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences
- Moraru, L. (2012). The Romanian Modern University in the Frame of the Academic Profession and Governance. International Conference on Education and Educational psychology. Procedia- Social and behavioural Science 69(2012) 79- 88.

- Naderi M. M. (2015). Good Governance Introduction and Glossary, Islam and Management Research, p. 1, p. 69-93. [In Persian/]
- Razmi, M. J. Sedighi, S. (2015). Good Governance Requirements for Achieving Human Development, Fourth National Economic Conference, Islamic Azad University, Khomeini Shahr Branch. [In Persian/]
- Rudra P. and Sanyal G.S. (2015); "Good Governance and Human Development: Evidence from Indian States", Journal of Social and Development Sciences, 1(1), 1-8.
- Salarzahi, H. Pourhhabib, E. (2015). "A Study of the Evolution of Public Management Paradigms: From the Traditional Governmental Management Paradigm to the Good Governance Paradigm" Journal of Management, University of Tehran, Vol. 4, No. 9 Pages: 63 to 79. [In Persian/]
- Samti, M. Ranjbar, H. Mohseni, F. (2011). Analysis of the Effect of Good Governance on Human Development Specimen Case Study: Southeast Asia, Quarterly Journal of Economic Growth and Research, First Year, No. 4, P. 115 to 123. [In Persian/]
- Sharifzadeh, F. Rahmatollah, Gh. (2014). "Good Governance and the Role of the Government", Management Culture, p. 4, p. 93. [In Persian/]
- Soltani Sarvestani, J. Salehi M. His eagle, ah. Nadi, MA (2018). Confirmatory Factor Analysis of Spiritual Leadership Model in Higher Education. Journal of Research in New Approach in Educational Management, Eighth, No. 4, Winter 2018, pp. 42-19. [In Persian]
- Soroush, M. (2015). The goals and aspirations of the government, the tribes, 20 and 21, p. 48-56. [In Persia/]
- Teichler, U. (2016). Germany: How Changing Governance and Management Affects the Views and Work of the Academic Profession. Springer Science. Business Media B.V.